



| روزنامه جوان | شماره ۱۰۵۰۱

گفت‌وگو  
جواد محرمی - زینب زمانیان

احسان کاوه از برنامه‌سازی تلویزیونی تا راه‌اندازی و مدیریت شبکه‌های تلویزیونی را در سابقه خود دارد. سینما و کارگردانی را در مقطع کارشناسی و نیز در مقطع کارشناسی ارشد مدیریت رسانه از سر گذرانده‌است و در راه‌اندازی عمده شبکه‌های تلویزیونی بیرون مرزی العالم، کوثر، پارس تی وی و آی فیلم مشارکت داشته‌است. او دوسال است که مدیر مرکز انیمیشن حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است. **گفت‌وگوی «جوان» با کاوه** را دربراره فعالیت‌های این مرکز می‌خوانید.

■ ■ ■

**در سابقه مدیریتی تان احتمالاً با آقای سرفراز همکاری خوبی را از سر گذرانده‌اید؟**

بله، آقای سرفراز ویژگی خوبی که داشتند این بود که به جوان‌هایی که پر انرژی و جویای نام بودند اعتماد می‌کردند. من فکر می‌کنم وقتی پرس تی وی افتتاح شد، مانیگین سنی مدیرش زیر ۳۰ سال بود. مدیر انفورماتیک آن ۲۵ سال داشت و من مدیر پخش بودم. در این شبکه مدیر هنری‌اش دو سالی از من کوچک‌تر بود. آن زمان همه ما ۳۰ ساله بودیم اما متأسفانه نتوانستند از حضور یونی در نقش‌ها به نحو شایسته استفاده کنند. خوب ما در تمام شبکه‌های تلویزیونی در نقش‌های مختلف حضور داشتیم. در پخش پرس تی وی شرکت داشتیم. در برون مرزی هم زمانی که «اوج» می‌خواست شکل بگیرد، از ابتدا در خدمت دوستان بودم و بعد هم که بحث تشکیل شبکه تلویزیونی «عصر» بود که تبدیل به افاق شد در خدمتشان بودم. کارهای فنی و زیرساخت‌ها، بحث آر شیوی ، استودیوسازی ، نظارت فنی آنچه ساخته بودند و… بعد از آنکه آقای سرفراز رفتند و رئیس سازمان شدند به من پیشنهاد کردند برای شبکه تهران که از صفر تا صد راه‌اندازی کردیم و تحویل دوستان دادیم و بعد هم تغییر و تحولات صلاح دیدند که شبکه را تعطیل کنند و پس از آن هم در مرکز تلویزیون انیمیشن حوزه هنری فعالیت کردم.

**گوی در حوزه انیمیشن چند ساله است اتفاقات خوبی در حال رقم خوردن است. شبکه‌های پویا و نهال دارند فعالیت می‌کنند و شاهد برخی آثار خوب هستیم. درباره فعالیت‌هایتان در این حوزه بگویید.**

ابتدا می‌خواهم درباره انیمیشن کشور، فضای انیمیشن کشور دست جوان‌هاست. وقتی سینما در دنیا به وجود آمد، خیلی زود به ایران وارد شد و جزو پیشگامان این عرصه بودیم. اساساً فکر می‌کنم خیلی به تصویر علاقه داریم. من اساس این کار را در آن می‌دانم که ما خیلی آدم‌های مکتوبی نیستیم، فرهنگ شفاهی‌مان بسیار قوی است و جنس تصویر به فرهنگ ما بیشتر از یاد است. به همین دلیل فکر می‌کنم سینما خیلی زود وارد ایران شد و تلویزیون شکل گرفت. انیمیشن هم فکر می‌کنم همین‌طور است. تقریباً در تمام تکنیک‌های انیمیشن ما آدم‌های درجه یکی در ایران داریم. شاید بعضی از آنها به دلیل اینکه تعداد و پروژه‌هایشان کم بوده از ایران رفته‌اند و در حال حاضر دارند در دیزنی و پیکسار فعالیت می‌کنند. به خصوص در تکنیک دیجیتال خیلی کم تولید می‌شوند. اما آنهایی که در ایران هستند خیلی خوبند و قوی کار می‌کنند. در عرصه هنرهای تصویری ما در دنیا حرف برای گفتن داریم و به حد درستی فعالیت‌شان صورتی است و مشکلات زیادی داریم که یکی از مهم‌ترین مشکلات نحوه آموزش است. در دانشگاه‌ها خیلی جدی این مشکل را داریم. دانشگاه‌های ما فقط در حوزه انیمیشن کارگردان فارغ‌التحصیل می‌کنند، در صورتی که در یک پروژه انیمیشن یک TV-۳۶ تخصص مشغول است. به هیچ کدام از اینها به شکل آکادمیک هویت داده نمی‌شود. به نظر من تحصیلات خودم را داخل سینمایی‌ها حس می‌کنم. احتمال اینکه آدمی باشم که پولدار باشم، سینما هم خوانده باشم و حالا بروم در کار ساخت و ساز یا دلار فروشی و کار و کسب دیگر خیلی کمتر است.

یکی از معضلاتی که در حال حاضر انیمیشن ایران در گیر آن است این است که آدم‌ها کنار کار اصلی کار دارند ولی انیمیشن می‌کنند و حرف‌های نگاه نمی‌کنند. در عرصه کار ما تیم تشکیل نمی‌دهیم و شرکت نداریم. آنها که هستند به عدد انگلستان دست هم نمی‌رسند. بیشتر انفرادی یک پروژه انجام می‌شود و در طول انجام پروژه ما وضعیت خوبی نداریم. بعد از پروژه آن هم می‌باشد.

مثل بچه‌هایی که «شاهزاده روم» را ساختند کم پیدا می‌شود بیایند در کار بعدی کنار هم «فیلشاه» را بسازند. ضرورت دارد تیمی کار کردن در انیمیشن به عنوان یک تخصص آموزش شده شود.

در حوزه هنر به شکل جدی یک مسئله داریم. یک قدیم وقتی به یک هنر جو آموزش داده می‌شد رابطه شاگرد –استاد یا رابطه مرید و مرادی بود و هم روش و هم منش منتقل می‌شد. استادی مثل ابوالحسن صبا پنج شاگرد دارد ولی امروز دیده می‌شود با انبوهی دانشگاه و کلاس، بعد لیسانی و فوق لیسانی این روش هنر مند تربیت کرد ولی می‌توان تکنسین تربیت کرد. یک اشتباه وجود دارد. ما یکسری رشته داریم که اسمش را رشته‌های هنری گذاشتیم. فارغ‌التحصیل‌هایش بین هنر مند بودن و تکنسین بودن بلا تکلیف هستند. اما دانشگاه‌های ما متوجه نیستند که تکنسین بودن واقعاً لازم است. اینها میل به هنر مند شدن دارند. یک گرافیسیت (یک دانش آموزان دبیرستان) می‌رود دانشگاه صداوسیما که حالا دکتری هم می‌دهد گرافیک بخواند. خودش را با مر ترضی ممیز مقایسه می‌کند و در سازمان صداوسیما مشغول کار می‌شود، اما آخر سر می‌شود فراتر از دستگا‌های ژنراتور که اسم شما را تایپ می‌کند می‌رود روی آنتن.

علت این نیست که در کشور ما نگاه و رویکرد فن سالار و تکنوکرات غلبه دارد!رئیس صداوسیما را نگاه کنید، خودش مهندس است. بیشتر از اینکه نگاه هنر افزاری تأثیر گذار باشد، آدم‌ها ساخت افزاری هستند و این نگاه همیشه غلبه داشته است.

می‌خواهم از این ادبیات استفاده کنم و بگویم الزاماً آن تخصص و نیاز سر جایشان نیستند. در رشته‌های هنری این قضیه خیلی جدی است. ما در یک کار انیمیشن به دو یا سه نفر از تربیت نیاز داریم. کسی که یک غلیان درونی باعث شود به یک متن عجیب، خوب و هنر مندانه و به کارا کترهای TV و هنر مندانه و یک صحنه آرایی خوب و هنر مندانه برس. باقی آن ۷۷ عنوان شغلی که گفتیم همه تکنسین هستند.

**متنقدید الگورا را باید کس دیگری بدهد و اینها مجری باشند؟**

بله، دقیقاً همین‌طور است. ما فارغ‌التحصیل‌های دانشگاهی ما خودشان را از تربیت می‌دانند و به آنها کار گردان می‌گویند. فرض کنید دانشگاه هنر، تربیت مدرس، دانشگاه صداوسیما و دانشگاه سوره به همین ترتیب دانشجو فارغ‌التحصیل می‌کند اگر هر کدام سالی ۱۰ فارغ‌التحصیل بیرون بدهند سالی ۴۰ فارغ‌التحصیل و بعد از پنج سال ۲۰۰ فارغ‌التحصیل انیمیشن داریم که همه کار گردان نام گرفتند. اما

# فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

گفت‌وگوی «جوان» با مدیر مرکز انیمیشن حوزه هنری انقلاب

# تکنسین انیمیشن بیشتر نیاز است تا کارگردان



نقیسه خلیلیان مدیر مرکز انیمیشن حوزه هنری

هزار تومان با برکت بود. با هزار تومان بی‌برکت و زنش فرق می‌کند. این آخر دفتازی است. اگر این زندگی فانتزی را نداشته باشد که نمی‌تواند حرف شما را بگوید که می‌گوی این پول برکت دارد.

**اینکه ای بخواند در انیمیشن بروز و ظهور داشته باشد چطور ممکن خواهد شد؟**

ابتدا باید آگاهی داشته باشد، یعنی اول باید بداند این رویا پردازی خوب و مثبت است. این را باید بداند بعد ورود پیدا کند. من عرض می‌است این است که عوامل سینمایی انیمیشن ما یا سربال‌ها و استودیوی ما ابتدا باید به هویت برسند سپس باید شغل شود بعد باید تشکیل گروه و شرکت بدهند و استودیوی فیلمسازی ایجاد کنند. وصل کردن این به آن منبع سخت است. هیچکدام از بحث‌هایی که می‌کنیم بحث‌های ساده‌ای نیستند ولی می‌خواهم بگویم ما خیلی راه فریب داریم. من از حوزه‌های مختلف دارم متوجهی دینی را به داستان‌ها تبدیل کنند. همانطوری که شهید مطهری در داستان راستان انجام داد.

غربی می‌آید یک کارتون می‌سازد به نام «کرد فمیلی»- خانواده آنها که یک خانواده در عصر حجر است در سال‌های حجر. این خانواده دختری دارد و پدر این خانواده به شدت بر او است. پسری هست. این فانتزی است این دختر عاشق او می‌شود. بعد یک زلزله و آتش‌نشان شکل می‌گیرد و اینها می‌خوانند فرار کنند. پدر نماد قدرت و پرزور است و پسر نماد عقل است. جاهایی پسر با عقلش کارهایی می‌کند که هر چه پسر تلاش می‌کند نمی‌تواند انجام بدهد. در نهایت پدر می‌فهمد که عقل ندارد. تمام تمدن غرب بر پایه عقل است. خیلی این فیلم ایدئولوژیک می‌است. آنها حرف‌های مهمشان را خیلی ساده انتقال می‌دهند ولی ما فکر می‌کنیم باید پیچیده داستان بگویم آن‌همه برای بچه‌ها.

**اساساً سینمای هالیوود سینمایی ایدئولوژیک است.**

بله، می‌آید می‌گوید عقل برای ما به عبارتی حجت است. این عقل را باید بچه‌ها بفهمند و با توجه به تفکر خودش دارد می‌گوید. نقل برای شیعه یکی از حججی است که داریم. ما قرآن و عترت پیامبر اکرم(ص) را داریم. همه را داریم. اجماع داریم و… اینها حجج ما برای تصمیم‌گیری هستند. خوب کجا آدمی اینها را با بیان تبدیل کردیم که بچه بفهمد. یک چالش تبدیل این است. یک چالش دیگر این است که مگر ما صلا تئیم داریم که بتوانیم آن را بسازیم. خیلی هم عقب نیستیم اگر بتوانیم زیرساخت‌ها را درست کنیم. آموزشمان را درست کنیم. هویت بدهیم به اهل هنر، شغل برایشان ایجاد شود. درآمد برایشان داشته باشد و موفقیتشان تثبیت شود و آن تبدیل هم که در بالا به آن اشاره کرد هم انجام شود. ما آدم‌های خلاق داریم که این تبدیل را انجام دهد. ایده که خطی فیلشاه را وقتی من سه سال پیش یکی برایم تعریف کرد لذت بردم، سیاه ابابیل یک قیل در سیاه ابره سه سبچی می‌کند. از این زاویه‌ها به این موضوعات نگاه نکرده‌ایم. آن بچه



سه ساله‌ای که می‌گوید یا علی می‌تواند با متن را به دوش بکشد ما اینها را دست کم می‌گیریم. شما در این مدت دو سالی که اینجا هستید فکر می‌کنید چه کار هایی انجام داده‌اید؟ چه اندازه منشأ اثر بودید و چه اتفاقاتی افتاده است؟

یکی از مهم‌ترین کارهایی که ما از ابتدا اینجا انجام دادیم، فکر و مشاهده کردن در این حوزه است که چگونه باید کاری کنیم که این صنعت یا بگیرد دو کار خیلی مهم انجام دادیم که یکی از آنها ان‌شاه‌الله در اسفندماه سال جاری به نتیجه می‌رسد. اولین آن این است که در همه به عبارتی صنعت فرهنگ‌های خلاقانه چالشی هست. کسی که خلاقیتی را می‌خواهد بروز دهد و تعریف کند و کسی دیگر که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند و می‌خواهد کار را بخرد هیچ زنجیری که اینها در کنار هم قرار بگیرند در ایران وجود ندارد. اینکه من پیام و اراده کند و شمای سرمایه‌گذار، شمای سفارش‌شونده و خریدار بشنود تجربه نشده‌است. این کارهای است کنند. در تمام دنیا در صنایع خلاق این اتفاق می‌افتد. در ایران در حوزه انیمیشن این اتفاق نمی‌افتد. از لحظه نطفه‌اند و مسیر‌ها به این صورت بوده که کسی که در دسترس بوده رجوع می‌کره‌ است. کمپانی انیمیشنی و تیمی که انیمیشن تولید می‌کند و کار آنها هم که با مارتیف نیستند هم می‌ماند. از آن پول دارند و تولید می‌کنیم. نزدیک‌تر نند و آن‌ها که شهرستان هستند حقتشان خورده می‌شود.

بعد ما لابی می‌کنیم و رفاقتی کار را پیش می‌بریم و کار آنها هم که با مارتیف نیستند هم می‌ماند. از آن بدر خدایی نکرده امید و… در لابی‌های این مدلی اتفاق می‌افتد و قیمت‌ها معلوم نیست. کاری با یک رقمی تولید می‌شود و آن دیگری می‌گوید که من این کار را با این رقم تولید می‌کردم حالا اینکه میان ادعای آن هم درست باشد یا نه معلوم نیست. قیمت‌ها شفاف نیست. تهیه‌کننده عمده این مشکلات را حل می‌کند. ما چیزی هم برایش در آوردیم به نام رویا یزی یعنی زیست رویا و ان‌شاه‌الله در اسفند ماه برگزار می‌شود. قصد ما این است که هر کس ایده‌ای دارد و توانسته است این ایده را از حرف زدن خارج کند مثلاً چند کاراکترش را به اصطلاح استیج فقط یک تیم تشکیل داده و مدعی است که می‌تواند تولید کند می‌آید در این رویداد که ممکن است با توجه به تعداد ثبت‌نامی‌ها بین یک تا سه روز شود. او هفت دقیقه فرصت دارد ایده خودش را بیچ کند. ما آدم‌های مختلفی داریم که تلاش می‌کنند. از روابط عمومی سازمان‌ها و صداوسیما گرفته تا خود ما آنجا نشسته‌ایم تا ایده‌ها را بشنویم و بعد هر کدام را که به درد بخور است انتخاب کنیم و با طرح ایده حرف بزئیم و مذاکره کرده و روی آن سرمایه‌گذاری کنیم.

**از کل کشور؟**
بله، از کل کشور. یک اتفاق مهم دارد می‌افتد. ما کسی که دارد این را ارائه می‌دهد اگر یک شرکت باشد و خصوصی باشد و با این کسی که می‌خواهد بخرد و خصوصی باشد ۹ بسته حمایتی به آنها می‌دهیم. نخست انجام کار برای تولیدکننده، ضمانت برای اینگونه بتواند تولید کند، لیزرینگ کردن برای کسی که می‌خواهد بخرد، وام دادن برای کسی که می‌خواهد تولید کند و… که باقی در سایتمان هم هست که این شکل بگیرد و به نظر من یکی از مهم‌ترین کارهایی است که انجام دادیم و توانستیم با ستاد فناوری نرم معاونت ریاست جمهوری در این قضیه همکاری کنیم. حتی برای اینکه این مسیر وابسته به من مدیر رفتمی هم نباشد که فردا به هر دلیلی عوض شدم و کس دیگری احتمالاً دارد اعتقادی به این مسیر نداشته باشد روی کار بیاید، برای اینکه این اتفاق نیفتد ما یک مجموعه خصوصی هم آوردیم. مجموعه‌ای که کارش در این حوزه‌هاست. این را

آوردیم کردیم مجری که کار انجام دهد که بعد از آن بتواند در بستر خصوصی این روند ادامه پیدا کند. برای ما صنعت انیمیشن مهم است. حفظ نام من و معاونت علمی و… مهم نیست. این را توافق کردیم. برایش خیلی زیربنایی برنامه ریختیم. ان‌شاه‌الله اسفند ماه درست برگزار شود.

نکته دوم در حوزه تولید است که دو شکل دارد. اول اینکه تصمیم گرفتیم تولید صدرصد مستقل انجام دهیم مگر اینکه باری از دوش آن زیرساخت‌ها بخواند بردارد. یعنی چه؟ یعنی اینکه من مجموعه‌ای که با پول نفت و اموال عمومی مردم است حق ندارم تولید و رقابت کنم با بخش خصوصی. بخش خصوصی زیر چرخ دنده‌های من له می‌شود به دلیل اینکه من بالاخره ماهی چقدرر باید پول بسرق و… بدهم آنکه شرکت خصوصی است دو دو تا چهره تالی لایم‌هایش را هم باید بکند. پس ما نمی‌اییم صدرصد تولید کنیم، می‌آیم سرمایه‌گذاری و مشارکت می‌کنیم مگر اینکه در کاری بخواهیم آن زیرساخت را حل کنیم. یعنی دغدغه ما تولید نیست که در این بخش می‌خواهیم تولید صنعتی را به عبارتی تجربه کنیم و دانش را داشته باشیم.

تولید صنعتی یعنی چه؟ یعنی اینکه برای مثال در امریکا یک سربال داریم به نام خانواده «سیم سون‌ها». سربال خانواده سیم سون‌ها اگر اشتباه نکنم حدود ۶۵۰-۶۴۰ تقسیمت تولید شده است. یعنی ۱۲ سالی هست که دارد تولید می‌شود. از روز اول تولید شدند تا امروز هیچ چیزش تغییر نکرده است. سه تا صاحب عوض شده، نه تهیه‌کننده و نه کار گردان و نه صاحب کار عوض شده و هنوز دارد تولید می‌شود و هنوز دنیا را دارد تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

دست اندر کاران این سربال چه کرده‌اند که مسیرش همچنان ادامه دارد؟ چرا ما نمی‌توانیم؟ چرا ما الان شکرستان را می‌بسازیم بعد کار گردان عوض می‌شود و دیگر تولید نمی‌شود. انیمیشن که سخت‌تر است. خدونه‌ای می‌سازیم بعد مجری می‌آید می‌گوید شاید من دیگر نسازم. این یک برند است این مال او نیست. اصلاً برای صداوسیماست. هزاران میلیارد تومان برای زیرساخت فنی این برنامه‌ها هزینه شده است تا بخش زیبایی‌ات که هزینه‌شده برای ساختن کارهای تمام عوامل سازنده خدونه شده قطار در کنار دریایی است که هزینه‌شده برای زیرساخت این برنامه که پخش شود و بعد به راحتی در اختیار شخصی قرار می‌دهیم و این یک شخصی می‌آید و تصمیم می‌گیرد که برنامه شخصی شود یا نشود. ما دارم تیم‌هایی را پیدا می‌کنیم که مدعی بیانشه باید ادامه بدهد. دیگر چرخ دنده‌ای باشند در خدمت این اتفاق بزرگ.

**یعنی خودشان متوجه جایگاه‌شان در تولید اثر باشند.**

بله، دقیقاً همین‌طاست. ممکن است یک‌سال بعد یا دو سال بعد عوض شد کس دیگری آمد. کل آن دانش باید انتقال پیدا کند. آن دانش از زمیند است نه صرفاً او. باید طوری باشد که تک‌تک قسمت‌های سربال اگر برای کار گر دانش اتفاقی افتاد و نخوابت کار کند و خسته شد را بشود ادامه داد. این دوسه تا کار داریم که مدعی بیانشه باید ادامه بدهد. دیگر در تولید اثر باشند. ممکن است یک‌سال بعد داریم تولید می‌کنیم و ساخت انیمیشن داریم مشارکت کنیم و همچنین در حوزه تلویزیون هم فعالیت داریم. ما می‌گوییم مکلف به وظیفه هستیم. تکلیف الزاماً ممکن است به نتیجه نرسد. این رویایپردازی که من گفتیم ممکن است دو سال دیگر به این کار را با این رقم تولید می‌کردم حالا اینکه میان ادعای آن هم درست باشد یا نه معلوم نیست. قیمت‌ها شفاف نیست. تهیه‌کننده عمده این مشکلات را حل می‌کند. ما چیزی هم برایش در آوردیم به نام رویا یزی یعنی زیست رویا و ان‌شاه‌الله در اسفند ماه برگزار می‌شود. قصد ما این است که هر کس ایده‌ای دارد و توانسته است این ایده را از حرف زدن خارج کند مثلاً چند کاراکترش را به اصطلاح استیج فقط یک تیم تشکیل داده و مدعی است که می‌تواند تولید کند می‌آید در این رویداد که ممکن است با توجه به تعداد ثبت‌نامی‌ها بین یک تا سه روز شود. او هفت دقیقه فرصت دارد ایده خودش را بیچ کند. ما آدم‌های مختلفی داریم که تلاش می‌کنند. از روابط عمومی سازمان‌ها و صداوسیما گرفته تا خود ما آنجا نشسته‌ایم تا ایده‌ها را بشنویم و بعد هر کدام را که به درد بخور است انتخاب کنیم و با طرح ایده حرف بزئیم و مذاکره کرده و روی آن سرمایه‌گذاری کنیم.

**اینکه عامه پسند شود خیلی مهم است و یک ظرفت‌های دارد.**

بله، اینها همه اصول دارد. تلویزیون ادبیات دارد. من نمی‌توانم مثل گوگل تسلطت بشما فارسی حرف بزنم. کلماتش را شاید شما بفهمید اما کلتش را نمی‌فهمید. این فایده ندارد، گرامر را باید رعایت کنم. اگر فقط کلمه بلد باشم که مدام کلمه پشت هم به کار ببرم که به درد نمی‌خورد. اینکه این ادبیات را بتوانیم احصاء کنیم مهم است چه در حوزه تولید صنعتی انیمیشن چه در حوزه زیرساخت‌هایی که این هنر و این اتفاق را به صنعت تبدیل کند چه در تلویزیون و چه در حوزه هنری کارهایی است که ما دغدغه داریم و در این دو سال سعی کردیم انجام دهیم. وظیفه ماست و پولش را می‌گیریم و… تمام تلاش ما این است که هنر مندان و شرکت‌ها وقتی می‌خوانند کاری انجام دهند نایند دنبال حمایت بیایند دنبال سرمایه‌گذار.